





Explaining the social functions of Walker Evans' photos in the encounter of the Great Depression

Somayeh Shareei , *Master of Photography, Faculty of Art, Iqbal Lahori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

Pejman Dadkhah , *Assistant Professor, Department of Photography, Faculty of Art, Iqbal Lahori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran (Corresponding Author). Email: P.dadkhah@eqbal.ac.ir.*

Abstract

In different historical periods, documentary photography as a social and cultural tool has been able to reflect important issues and developments. During the Great American Depression, Walker Evans portrayed the economic and social challenges of society with his documentary works. The problem of this research is to investigate the social role of documentary photography in reflecting and analyzing the social conditions during the crisis. The importance of this issue is that knowing the social functions of photography can help increase awareness and social solidarity. The main goal of the article is to analyze the works of Evans in the field of documenting social conditions during the Great Depression in America and its impact on social developments. The research method of this study is analytical-descriptive and the sociology of art approach has been used to interpret the works. The findings of the research show that Evans' photos, in addition to reflecting social realities, have acted as a tool to raise awareness and draw public attention to social problems and have been effective in creating positive social changes. The conclusion of the article emphasizes the importance of documentary photography as a social media and it is suggested that more research be done on the impact of visual arts on social issues in order to use this capacity to improve social conditions.

Key words

Documentary Photography, Sociology of Photography, FSA Photographers, Walker Evans, FSA Farm security administrati.



تبیین کارکردهای اجتماعی عکس‌های واکر اونز در مواجهه با رکود بزرگ اقتصادی

سمیه شاری^۱، پژمان دادخواه^۲

چکیده

در دوره‌های مختلف تاریخی، عکاسی مستند به عنوان ابزاری اجتماعی و فرهنگی، توانسته بازتاب‌دهنده مسائل و تحولات مهم باشد. در دوران رکود بزرگ اقتصادی آمریکا واکر اونز با آثار مستند خود، چالش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه را به تصویر کشید. مسئله این پژوهش، بررسی نقش اجتماعی عکاسی مستند در بازتاب و تحلیل شرایط اجتماعی دوران بحران است. اهمیت این موضوع در آن است که شناخت کارکردهای اجتماعی عکاسی می‌تواند به افزایش آگاهی و همبستگی اجتماعی کمک کند. هدف اصلی مقاله، تحلیل آثار واکر اونز در زمینه مستندسازی شرایط اجتماعی دوران رکود بزرگ اقتصادی در آمریکا و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی است. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و از رویکرد جامعه‌شناسی هنر برای تفسیر آثار استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عکس‌های اونز علاوه بر بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، به مثابه ابزاری جهت آگاهی‌بخشی و جلب توجه عمومی به معضلات اجتماعی عمل کرده و در ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی مؤثر بوده است. نتیجه‌گیری مقاله بر اهمیت عکاسی مستند به عنوان رسانه‌ای اجتماعی تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بیشتری درباره تأثیر هنرهای بصری بر مسائل اجتماعی انجام گیرد تا از این ظرفیت برای بهبود شرایط اجتماعی استفاده شود.

واژگان کلیدی

عکاسی مستند، اداره حفاظت از مزارع، جامعه‌شناسی عکاسی، واکر اونز، عکس‌های FSA.

مقدمه

عکاسی مستند همواره نقشی مهم در بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی داشته است. در دوره‌های بحرانی به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و تحریک به تغییرات اجتماعی استفاده شده است. در دوران رکود بزرگ آمریکا، واکر اونز به واسطه آثار مستند خود توانست شرایط سخت و محرومیت‌های مردم را به نمایش بگذارد و توجه جامعه را به واقعیت‌های آن دوران جلب کند. مسئله این پژوهش بررسی کارکردهای اجتماعی عکاسی مستند و نقش واکر اونز در بازتاب و تحلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی دوران رکود بزرگ است. اهمیت این پژوهش در آن است که به تحلیل یکی از مهم‌ترین کاربردهای عکاسی مستند، یعنی انعکاس مسائل اجتماعی‌پردازد و از این جهت می‌تواند به توسعه دیدگاه‌های جدید در حوزه جامعه‌شناسی هنر و عکاسی مستند کمک کند. ضرورت این پژوهش در روشن‌سازی چگونگی استفاده از هنر در جهت آگاهی‌بخشی و تأثیرگذاری بر جامعه و سیاست‌گذاران است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی آثار واکر اونز به عنوان نمونه‌ای از عکاسی مستند در دوران رکود بزرگ و تحلیل نقش اجتماعی این آثار در بازتاب مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه آمریکا در آن دوره است. پرسش‌های اصلی شامل این است:

۱. عکاسی مستند واکر اونز چه کارکردهایی در زمینه مسائل اجتماعی دارد؟
۲. آثار واکر اونز چگونه واقعیت‌های اجتماعی دوران رکود بزرگ را بازتاب داده و بر جامعه اثر گذاشته است؟
۳. چگونه عکاسی مستند می‌تواند به آگاهی‌بخشی و ایجاد تغییرات اجتماعی کمک کند؟

این پژوهش از رویکرد جامعه‌شناسی هنر بهره می‌برد، به‌ویژه از نظریه‌های مرتبط با هنر و کارکردهای اجتماعی آن تا ارتباط میان عکاسی مستند و مسائل اجتماعی را بررسی کند. این رویکرد بر این فرضیه استوار است که هنر می‌تواند محرکی برای آگاهی‌بخشی عمومی و تغییرات اجتماعی باشد. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای آثار واکر اونز انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب آثار اونز در دوره رکود بزرگ صورت گرفته است. این روش، به فهم عمیق‌تری از نقش اجتماعی عکاسی مستند و تأثیر آن بر شرایط اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند.

پیشینه پژوهش

ویلفراید باتس^۱ در «کتاب نقره‌ای: تاریخ فشرده عکاسی به‌طور مختصر به اصطلاح «مستند اجتماعی» به عنوان مناسب‌ترین واژه برای توصیف عکس‌های مربوط به پروژه مفصل «اداره حفاظت از مزارع» که به FSA (Farm Security Administration) شناخته شد در دوران رکود اقتصادی آمریکا در دهه ۱۹۳۰ شکل گرفت.

فاطمه دانش (۱۳۹۹) در «مبانی نظری عکاسی» به زندگی و آثار واکر اونز در پروژه عکاسی اداره حفاظت از مزارع پرداخته و به اثرات آن بر عکاسی مستند اشاره کرده است.

لنا هژیر (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تأثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز» به مطالعه و شناسایی تأثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز پرداخته است.

ژیزل فروند^۲ (۱۴۰۰) در کتاب «جامعه‌شناسی عکاسی: عکاسی در فرانسه قرن نوزدهم - جستاری جامعه‌شناختی و زیباشناختی»، به بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی عکاسی در جامعه می‌پردازد. این کتاب با تحلیل جامعه‌شناختی به نقش عکاسی در بازنمایی واقعیت‌ها، ثبت تحولات اجتماعی و تأثیرات آن بر مخاطبان می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه تصاویر عکاسی می‌توانند ابزاری برای آگاهی‌بخشی، نقد اجتماعی و حتی ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی باشند.

نیومی روزنبوم^۳ (۱۴۰۰) در کتاب «تاریخ جهانی عکاسی» به بررسی روند تحول عکاسی از آغاز تا دوران معاصر پرداخته و تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و فنی آن را در سطح جهانی تحلیل می‌کند. این کتاب با ارائه اطلاعات جامع درباره سبک‌ها، تکنیک‌ها و جنبش‌های عکاسی در دوره‌های مختلف، نقش عکاسی در مستندسازی تاریخ و تحولات اجتماعی را برجسته می‌سازد و اهمیت آن در انتقال مفاهیم و واقعیت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.

این مقاله با توجه به پیشینه پژوهشی خود، چند مورد جدید به تحقیقات قبلی اضافه کرده است:

۱. تحلیل نقش اجتماعی عکاسی مستند در بازتاب بحران‌های اقتصادی: درحالی‌که مطالعات پیشین بیشتر به جنبه‌های بصری و فنی عکاسی مستند در دوران رکود بزرگ پرداخته‌اند، این پژوهش به‌طور خاص به نقش اجتماعی این عکس‌ها در افزایش آگاهی عمومی و تأثیر آن‌ها بر جامعه تمرکز دارد.

۲. استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی هنر: درحالی‌که برخی تحقیقات قبلی جنبه‌های تاریخی یا فنی عکاسی مستند را بررسی کرده‌اند، این پژوهش با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی هنر، آثار واکر اونز را از نظر تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی تحلیل کرده است.

۳. پیشنهاد استفاده کاربردی از عکاسی مستند در حل مسائل اجتماعی: این مقاله فراتر از صرف تحلیل آثار گذشته، به ضرورت انجام تحقیقات بیشتر برای استفاده از ظرفیت‌های عکاسی مستند در بهبود شرایط اجتماعی اشاره کرده است.

مبانی نظری پژوهش

عکاسی مستند

واژه «سند» در ارتباط با عکاسی برای نخستین بار در اوایل قرن بیستم توسط «ژان اوژان آگوست آتزه»^۴ به کار برده شد. وی دست‌نوشته‌ای با مضمون «سندهایی برای هنرمندان» بر روی در تاریک‌خانه‌اش نصب کرده بود و کارهایش را به عنوان سند قلمداد می‌کرد. عکس مستند، عکسی است که آنچه در واقعیت وجود دارد و آنچه از آن عکس برداشت می‌شود، هر دو یکی باشند (سانتاگ، ۱۳۹۰: ۲۰۳). عکاسی مستند، نمایش دنیای واقعی توسط عکاس است که قصدش تحلیل و تفهیم چیزی مهم به بیننده است و یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد عکاسی مستند، توانایی آن در تأثیرگذاری بر افکار عمومی و روند رویدادهاست (گلچین کوهی، ۱۳۸۹: ۷).

جامعه‌شناسی عکاسی

هوارد بکر^۵ در مقاله «عکاسی و جامعه‌شناسی» استدلال می‌کند که عکاسی و جامعه‌شناسی تولدی هم‌زمان داشته‌اند؛ اگر تولد علم جامعه‌شناسی را انتشار نوشته‌های کنت^۶ به شمار آوریم که اصطلاح «جامعه‌شناسی» را برای نخستین بار به این علم اطلاق کرد و تولد عکاسی را تاریخی بدانیم که در سال ۱۸۳۹ داگر^۷ شیوه خود را برای ثبت تصویر بر روی صفحه فلزی برای همگان شرح داد. از همان آغاز، این دو (جامعه‌شناسی و عکاسی) به موضوعات متنوعی پرداختند. یکی از این موضوعاتی که برای هر دوی آن‌ها از اهمیت برخوردار بود، مطالعه و شناخت جامعه بود. عکاسی، طرح پرسش از چیزهایی است که ما عادی از کنار آن می‌گذریم. همان‌طور که جامعه‌شناسی هم بیان دردمندان‌های امور بدیهی است که به نحو دردمندان‌های بدیهی پنداشته شده‌اند. جامعه‌شناسان حداقل در سه زمینه زیر با دوربین و عکاسی ارتباط نزدیک داشته‌اند:

۱. عکاسی و دوربین به عنوان ابزار تحقیق

به‌طور مشخص می‌توان از دوربین برای شناخت گروه‌های کوچک، مردم‌نگاری، مطالعات تاریخ شفاهی، مطالعه فضاهای شهری و بسیاری زمینه‌ها استفاده کرد. دوربین‌ها کمک می‌کنند تا محققان جزئیات زیادی از کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی را ثبت و ضبط، مشاهده و وضعیت‌های اجتماعی را شناسایی و برای نسل‌های آینده محفوظ نمایند.

۲. عکاسی و عکس به مثابه بازنمایی جامعه

جامعه‌شناسان تصاویر و عکس‌ها را به مثابه بخشی از فرهنگ هر جامعه تحلیل می‌نمایند. در دنیای کنونی تصویر و عکس در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ما حضور دارد. ما در عصر بازنمایی تصویر همه چیز زندگی می‌کنیم.

۳. عکاسی و عکس به مثابه سوژه و ابژه تحقیق

در اینجا، جامعه‌شناس با ابعاد اجتماعی فعالیتی به نام عکس‌گرفتن و پدیده اجتماعی به نام عکاسی سروکار دارد. او می‌خواهد از منظر جامعه‌شناختی تعریفی از عکاسی ارائه دهد (فاضلی، ۱۴۰۰: ۲۴۹-۲۵۰).

کارکردهای اجتماعی عکس

عکس‌ها ارزشمندند؛ به این دلیل که به ما اطلاعات می‌دهند. عکس‌ها به ما می‌گویند که واقعیت از چه قرار است؛ عکس‌ها فهرست ایجاد می‌کنند. آن‌ها برای هواشناسان، مأموران پزشکی قانونی، باستان‌شناسان و سایر متخصصین اطلاعات بی‌اندازه ارزشمندند (سانتاگ، ۱۳۹۰: ۲۸).

عکس‌ها با شیوه‌ها و اهداف متنوع در کاربری، موجب سردرگمی یا روشن‌گری شده و گاه ایستایی و تحرک ایجاد کرده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که آن‌ها با مداخله بین مردم و تجارب مستقیم‌شان، بیش از ذات و مفهوم، اغلب به ظاهر و نمود پرداخت کرده‌اند. عکس‌ها به اشیاء، ایدئولوژی‌ها و شخصیت‌ها جذابیت اغواکننده‌ای داده یا گاه لباس رسوایی بر تن آن‌ها پوشانده‌اند. عکس‌ها، از یک امر فوق‌العاده عادی و پیش‌پاافتاده یک چیز عجیب و غریب ساخته‌اند. درعین حال، عکس‌ها دیدگاه‌های کوچک را بزرگ نشان داده و برای حفظ پدیده‌های طبیعی منحصر به فرد وارد عمل شده و جلوه‌ای ارزشمند به محصولات فرهنگی داده‌اند. مردم بر مبنای شواهد تصویری خود، نسبت به نابرابری‌های شرایط اجتماعی و نیاز به اصلاحات متقاعد شده‌اند.

اگر علل فقر که نتیجه رفتار نادرست و گناه‌آلود قدرتمندان است سزاوار مکافات نبود، مفهوم استفاده از مستندنگاری با دوربین عکاسی برای بهبود شرایط اجتماعی تکامل پیدا نمی‌کرد. با وجود این، حتی قبل از چنین نگرش‌های اعتراضی کالوینیستی^۸ (اصلاح طلبانه) مبنی بر بهبود شرایط مسکن و شرایط کار که امکان رفتار بهتر و نیروی کار کارآمدتر را فراهم می‌کرد، عکس در روند مبارزات برای بهبود جوامع، جایگاهی برای خود پیدا کرده بود (روزنبلوم، ۱۴۰۰: ۵۳۱).

موارد ذیل نمونه‌ای از کارکردهای اجتماعی عکس مستند هستند: انتشار عکس‌های مستند اجتماعی در نشریات، پرتره به مثابه سند اجتماعی، مستندنگاری توسعه صنعتی، رویدادهای خبرساز و عکس‌های فوری، زندگی روزمره و آداب و رسوم قومی، مستندنگاری علمی و پزشکی، مستندنگاری از جنگ‌ها و مناقشه‌ها، مستندنگاری عکاسانه و هنر گرافیک، مستندنگاری صحنه‌های اجتماعی، هواشناسان، باستان‌شناسان و... (روزنبلوم، ۱۴۰۰: ۵۳۸).

گروه FSA

رکود بزرگ در فاصله بین دو جنگ جهانی، اقتصاد ایالات متحد آمریکا که بر پایه سیستم سرمایه‌داری استوار بود، همانند فرازوفروندهای پیشین خود، پس از یک دور کاذب از رونق، دچار رکود شد (لنا هژیر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴). این دوره که از

سال ۱۹۳۱ شروع شده بود و حدود ده سال به طول انجامید، با نرخ بالای بیکاری، ناآرامی‌های کارگری و فاجعه کشاورزی همراه با خشکسالی و سوءاستفاده از زمین همراه بود. فقر روستایی همه‌جانبه به موجی از مهاجرت‌های داخلی منجر شد و خانواده‌ها در پی اشتغال و همچنین در جست‌وجو برای زمین‌های کشاورزی از مناطق مرکزی به سوی غرب مهاجرت کردند. (روزنبلوم، ۱۴۰۰: ۵۵۴) سازمان FSA (اداره حفاظت از مزارع) که بنا به تصمیم رئیس‌جمهور وقت فرانکلین دلانو روزولت^۹ برای کمک به تأمین نیازهای مالی و سرمایه‌های کشاورزان راه افتاده بود، در بخش تاریخی خود روی استرایکرها به عنوان مدیر پروژه عکاسی انتخاب کرد. او که خودش عکاس نبود، جمعی از بهترین عکاسان این ژانر را دور خودش جمع کرد: واکر اونز، دوروتیا لانگ، راسل لی، بن شان آرتور روتستاین و کارل میدانز (باتس، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

عکس‌های اداره امنیت کشاورزی با زیرنویس در روزنامه‌ها و مجلات منتشر شد و نمایشگاه‌ها به واشنگتن دی‌سی، نیویورک و سایر شهرها ارسال گردید. حمایت‌های مردمی آغاز شد و به زودی کمک‌های دولتی برای برنامه‌های اسکان مجدد افزایش یافت. اردوگاه‌های انتقال برپا شد، کار ایجاد شد، به مردم کمک کرد تا دوباره شروع کنند. این امر نمونه‌ای است عالی از تلاش گروه کوچکی از عکاسان بود که موفق به تغییر اوضاع شدند. اداره امنیت کشاورزی از ۱۹۳۵ باقی ماند تا به سال ۴۱ جذب اداره اطلاعات جنگ ایالات متحده گردید (لنگفورد، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۱۴).

واکر اونز

واکر اونز (۱۹۰۳-۱۹۷۵) عکاسی آمریکایی است که به سبب تصاویرش از دوره رکود اقتصادی ایالت متحد آمریکا در دهه ۱۹۳۰ به شهرت رسید. وی در سال ۱۹۰۳ در شهر سنت لوئیس به دنیا آمد و در نوجوانی از آکادمی فیلیپس در ماساچوست فارغ‌التحصیل شد (حمیدیان و توکلی، ۱۳۹۲: ۲۷۲). برای مأموریت و تهیه عکس از شورش علیه «جراردو ماچادو» - رئیس‌جمهور دیکتاتور کوبا از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۳ - به کوبا رفت و نتیجه‌اش در کتابی با نام «جنایت کوبا» منتشر شد. در سال ۱۹۳۵، عکاسی را به صورت تمام‌وقت برای «اداره اسکان مجدد» شروع کرد و به دنبال آن کار خود را در «اداره حفاظت از مزارع» پی گرفت. او طی ۱۸ ماه برای دفتر حفاظت بهره‌برداری‌های کشاورزی به کار عکاسی مستند پرداخت (روزنبلوم، ۱۴۰۰: ۵۷۹). اونز با دریافت مرخصی در سال ۱۹۳۶ به همراه جیمز ایچی^{۱۰} نویسنده، شش ماه در آلاباما نزد خانواده‌ای کشاورز و تهیدست زندگی کرد. او به ثبت پرتره‌های برجسته و معنادار از مردم پرداخت. این تصاویر در کتابی با عنوان «بیاید مردان بزرگ را بستاییم»^{۱۱}، در مجله فورچون^{۱۲} در سال ۱۹۴۱ منتشر شد. نخستین نمایشگاه عکس موزه هنر نوین نیویورک در ۱۹۳۸ به آثار اونز اختصاص یافت و موزه کتاب این نمایشگاه را با عنوان «عکس‌های آمریکایی» منتشر کرد. وی نیز کتابی با عنوان «بسیاری کسان فراخوانده شده‌اند» که شامل تک‌چهره‌هایی از افراد در مترو بود منتشر نمود. اونز در سال

۱۹۴۰ بورسیه گوگنهایم^{۱۳} را دریافت نمود و در سال ۱۹۴۵ نویسنده مجله تایم شد. کمی بعد کار خود را به عنوان سردبیر در مجله فورچون تا سال ۱۹۶۵ ادامه داد و در همان سال به سمت استاد عکاسی در مدرسه هنر دانشگاه پیل رسید... اونز در سال ۱۹۷۵ در منزل خودش در کانکتیکات از دنیا رفت (حمیدیان و توکلی، ۱۳۹۲: ۲۷۳).

ارزیابی آثار عکاسی مستند واکر اونز در دور رکود بزرگ (نگارنده)

در این بخش، به ارائه پنج اثر از واکر اونز عکاس اداره حفاظت از مزارع FSA و تحلیل آن‌ها با توجه به بازآمدهای رکود بزرگ با تأکید بر رئالیسم اجتماعی حاکم بر آن دوره پرداخته می‌شود.



شکل ۱. قبرستان و کارخانه فولاد در بیت لحم، پنسیلوانیا، ۱۹۳۵ (URL 1)

شکل ۱ که «قبرستان و کارخانه فولاد در بیت لحم» نام دارد، دارای کادری باز و افقی به رنگ سیاه و سفید است. این عکس با نور طبیعی روز و زاویه هم‌تراز چشم، با نمای بسیار دور^{۱۴} و عمق میدان گسترده به ثبت رسیده است. ترکیب بندی تصویر هم عمودی و افقی است که عمق و هم وسعت صحنه را به خوبی نشان می‌دهد. صلیب بزرگ در پیش‌زمینه به صورت عمودی قرار گرفته و خطوط افقی خانه‌ها و کارخانه‌ها در پس‌زمینه تعادل و هماهنگی خوبی ایجاد می‌کنند.

در این تصویر، نمای خیلی دور از شهر بیت لحم واقع در ایالت پنسیلوانیا در سال ۱۹۳۵ مشاهده می‌شود. این نما ترکیبی از کارخانه‌های عصر مدرن، بناها و عمارت‌های

مسکونی به ظاهر خالی از سکنه و آسمان غبارآلود، در مقابل قبرستانی نشان می‌دهد. گویی این عکس قاب پنجره‌ای است که از آن می‌توان تاریخ سقوط کل ایالات متحده را به نمایش می‌گذارد. آرامگاه که نماد مرگ است در برابر دستاوردهای مدرنیته و جهان صنعتی قرار گرفته است؛ دستاوردهایی که آسمان آبی اوایل قرن نوزدهم را با غبار مرگ پوشانده و تیره ساخته است.

نیکوس جی، کالیانیوتیس^{۱۵} عکاس و استاد عکاسی یونانی، درباره این عکس می‌نویسد: «یک صلیب بتنی بزرگ در پیش‌زمینه و کارخانه فولاد بیت‌لحم در پس‌زمینه قرار دارد و این یک ترکیبی عالی از صحنه زندگی و صنعت آمریکایی به نظر می‌رسد. یک گورستان با خانه‌ها و تراس‌های آجری که در یک فلات به هم تنیده شده است رقابت می‌کند، فلاتی که بین گذشته و حال در نوسان است. این عکس مانند هر عکس درخشانی از دوگانگی سکوت و شلوغی‌ای که به سرعت به سمت آینده‌ای نامعلوم در حال حرکت است، صحبت می‌کند. یک زمانی بود که تجارت فولاد در بیت‌لحم حدود سیصد هزار شغل در سطح ملی و حدود سی هزار شغل در شهر بیت‌لحم ایجاد می‌کرد که حدود نیمی از جمعیت این شهر بود (اما در دوران رکود اقتصادی آمریکا). کارخانه فولاد بسته شد و قسمت‌هایی از آن به کازینو و بوتیک تبدیل شد» (URL2: 2017: kalianiotis).

در پیش‌زمینه عکس، یک صلیب سنگی بزرگ در یک قبرستان دیده می‌شود که نمادی از سکوت و آرامش خفتگان در قبرستان است. در پس‌زمینه نیز منظره‌ای از شهر دیده می‌شود که نمادی از هیاهو، شلوغی و تکاپوی مردم است و کارخانه‌های بزرگ با دودکش‌های بلند که نشان‌دهنده یک منطقه صنعتی هستند، دیده می‌شوند. این کارخانه‌ها نماد قدرت اقتصادی و صنعتی‌اند، اما درعین حال نمایانگر شرایط سخت‌کاری و آلودگی محیط‌زیست نیز هستند. تضاد بین قبرستان و کارخانه‌ها، تضاد نمادینی بین مرگ و زندگی صنعتی ایجاد می‌کند. این تضاد به‌طور ضمنی به هزینه‌های انسانی ناشی از پیشرفت صنعتی اشاره دارد. وجود قبرستان در نزدیکی منطقه صنعتی ممکن است نشان‌دهنده تلفات انسانی ناشی از شرایط سخت کار در کارخانه‌ها و بیماری‌های ناشی از آلودگی باشد. در وسط تصویر، عمارت‌هایی به ظاهر خالی از سکنه دیده می‌شود که یا به علت فقر، گرسنگی و بیکاری ناشی از رکود اقتصادی به شهری دیگر مهاجرت کرده‌اند یا در مقابل این خشک‌سالی و بحران اقتصادی تاب نیاورده و به درگذشتگان خود در آرامگاه ابدی‌شان پیوسته و آرام گرفته‌اند.

عکاس از نمای خیلی دور استفاده کرده است تا اهمیت و گستردگی خشک‌سالی و بحران اقتصادی را نشان دهد و به همین دلیل وی زندگی انسان‌های عصر مدرن در دوره رکود را با تصویری از مرگ و صنعت نشانده رفته است؛ صنعتی که با نوساناتش رکود بزرگ را به ارمغان آورده و انسان‌هایش را در مقابل رنج و مرگ قرار داده است. او از زاویه هم‌سطح چشم برای هم‌کنشی و هم‌ذات‌پنداری با مردم آن شهر جهت ثبت

تصویر بهره گرفته است. سایه و روشن‌های تصویر دلالت بر این دارد که تصویر در اوایل صبح یا عصر ثبت شده است و کم تضادی نور در تصویر حالت واقع‌گرایانه آن را نشان می‌دهد. تیرگی رنگ کارخانه‌ها بر ناامیدی، غم و اندوه دلالت دارد و همچنین روشنی رنگ صلیب بتونی بزرگ در تصویر گویای این است که تنها راه نجات مردم از این فلاکت و زندگی مشقت‌بار، مرگ هست که انتظارشان را می‌کشد و دیربازود همگی به این سرنوشت دچار خواهند شد.

این تصویر معروف از واکر اوزنر، بازتاب فقر و فلاکت جامعه‌ای است که متأثر از بحران رکود بزرگ اقتصادی و خشکسالی است. در این اثر، با اینکه تمامی عناصر زیست انسان به واسطه زیباشناسی سهل و ممتنع نشان داده شده است؛ اما حضور فیزیکی او را در خود حذف کرده تا دلایل رکود بزرگ و رنج انسان‌های آن دوره بر ملا شده و واقعیت ساده زندگی را به همگان نشان دهد. این عکس می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی درباره شرایط سخت کارگران صنعتی و هزینه‌های انسانی ناشی از پیشرفت صنعتی کمک کند. نمایش این تضادها به بینندگان کمک می‌کند تا درک بهتری از شرایط زندگی کارگران در دوران انقلاب صنعتی داشته باشند. این نوع تصاویر می‌توانند به تشویق سیاستمداران و فعالان اجتماعی برای بهبود شرایط کاری و زندگی کارگران کمک کنند. آگاهی از این شرایط می‌تواند منجر به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی برای حمایت از کارگران شود. این عکس‌ها به عنوان اسناد تاریخی و فرهنگی ارزشمند، همچنان به عنوان منابعی الهام‌بخش برای نسل‌های آینده باقی می‌مانند و نقش بسزایی در شکل‌گیری افکار و اقدامات اجتماعی دارند.



شکل ۲. بدون عنوان، ۱۹۳۵ (URL3)

شکل ۲ که «بدون عنوان» نام دارد، دارای کادری باز و افقی به رنگ سیاه و سفید است و با نور طبیعی روز، با زاویه هم‌تراز چشم، با نمای بسیار دور و عمق میدان گسترده به ثبت رسیده است. این عکس مربوط به دوران رکود بزرگ اقتصادی آمریکاست که در سال ۱۹۳۵ میلادی توسط واکر اونز به ثبت رسیده است. این عکس نمایی از یک ساختمان قدیمی سه طبقه و نیمه مخروبه را به تصویر می‌کشد که دارای جزئیات ظریف در تزیینات بالکن‌ها و ایوان‌ها است. کادر عکس به صورت افقی است و تمرکز اصلی بر روی نمای جلویی ساختمان قرار دارد. عناصر عکس به صورت متوازن در کادر جای گرفته‌اند، به طوری که خطوط عمودی و افقی ساختمان به ترکیب بندی کمک کرده‌اند. افراد درون عکس در مرکز تصویر قرار دارند و توجه بیننده را به خود جلب می‌کنند که به تصویر حس زندگی و پویایی می‌بخشد. نور طبیعی روز در این عکس استفاده شده است که نور یکنواختی با سایه‌های ملایم و نرم را ایجاد کرده است. عمق میدان نسبتاً زیاد است، به طوری که تمام عناصر در عکس به خوبی واضح هستند. زاویه دید مستقیم و از روبه‌رو است که باعث نمایش متقارن و متوازن ساختمان شده است.

ساختمان سه طبقه است، ارتفاع زیادی ندارد و نسبتاً به عرض کشیده شده است. این نوع معماری معمولاً در محله‌های شهری و کارگری رایج بود. دیوارهای ساختمان احتمالاً از آجر یا سنگ ساخته شده و با یک لایه گچ یا رنگ پوشانده شده‌اند که به مرور زمان فرسوده و ترک خورده است. نرده‌های فلزی تزیینی در هر دو طبقه با الگوهای هنری و پیچیده دیده می‌شوند که برخی از آن‌ها خم شده یا آسیب دیده‌اند. این نرده‌ها با وجود زیبایی، به وضوح زنگ‌زده و پوسیده‌اند که نشان‌دهنده طولانی بودن زمان استفاده و عدم تعویض یا تعمیر آن‌ها است.

در بالاترین طبقه، یعنی طبقه سوم، سه بالکن وجود دارد و بالکن وسط مشرف به اتاقی است که دارای یک در باز و دو پنجره پوشیده شده با پرده یا مقوا است، جلوی بالکن هم پارچه‌های بسته شده است که به مرور زمان و در اثر تابش گرما و وزش بادهای شدید، کهنه و پاره شده‌اند.

در طبقه دوم که نیز شامل سه بالکن است، بالکن وسط بزرگ‌تر از دو بالکن طرفین است و سه زن در آن دیده می‌شود. جزئیات چهره آن‌ها به وضوح مشخص نیست، اما حالت بدنشان ممکن است نشان‌دهنده کنجکاوی یا خستگی باشد. زنی که در بالکن ایستاده است، لباسی ساده اما کهنه و کثیف به تن دارد، گویا همین یک لباس را داشته و مدت‌هاست که بر تن دارد. زن به جلو خم شده و در حال نگاه کردن به پایین و سمت راست تصویر است. این وضعیت ممکن است نشان‌دهنده نگرانی یا نگاه حسرت‌آمیز به گذشته بر بادرفته‌اش باشد؛ گذشته‌ای ثروتمند و پر شور و هیاهو و به دنبال آن آسایش و آرامشی که داشتند و خدمتکارانی که اوامرشان را اطاعت می‌کردند؛ اما اکنون خبری از آن‌ها نیست. دوزن دیگر در کناره دیوار بالکن نشسته‌اند. لباس‌های ساده و معمولی آن‌ها نشان‌دهنده فقر و عدم توانایی خرید لباس‌های جدید است.

یکی از آن دو بازویش را روی نرده گذاشته و سرش را به دستش تکیه داده است و به نظر می‌رسد که در فکر فرورفته باشد و به نابودی روزگارشان می‌اندیشد. دیگری ظاهراً به دوربین نگاه می‌کند و شاید به این می‌اندیشد که عکاس می‌خواهد از چه چیزی عکس بگیرد، دیگر هیچ دارایی برایشان نمانده که بخواهند به آن افتخار کنند یا فخر بفروشند و یا بخواهند با آن‌ها عکس‌های لاکچری و یادگاری بگیرند. در سمت راست بالکن نیز تعدادی گلدان گل سرسبز قرار دارد که تنها نکته مثبت و امیدوارکننده این تصویر است، برخلاف بقیه تصویر که نشان‌دهنده یاس و ناامیدی و تباهی است. وجود گلدان‌های کوچک با گیاهان مختلف، نشان‌دهنده تلاش ساکنین برای افزودن سرسبزی و زیبایی به زندگی روزمره خود است. پله‌های چوبی و قدیمی که به طبقه دوم می‌رسند، در برخی نقاطش شکستگی یا فرسودگی دیده می‌شود. همچنین پیراهن مردانه‌ای از ستون وسط بالکن آویزان است.

در طبقه اول راه‌پله‌ای زیر بالکن وسط طبقه دوم قرار دارد که محل ورود و خروج به طبقات بالایی عمارت است. گلدان‌های کوچکی به راه‌پله آویزان شده‌اند. در طرفین این راه‌پله‌ها نیز اتاق‌هایی هست که به نظر می‌رسد مطبخ و محل سکونت خدمتکاران و کارگران آن عمارت بوده است و اکنون خالی از سکنه است. درب ورودی طبقه اول چوبی و کهنه است و ممکن است رنگ آن کهنه شده باشد. این درب به وضوح نیاز به تعمیر دارد و نشان‌دهنده گذشت زمان و عدم توانایی مالی ساکنین برای تعویض یا تعمیر آن است. تیرگی رنگ داخل عمارت نشان از غم، اندوه و ناامیدی‌ای هست که ناخواسته بر ساکنان آن تحمیل شده و نه تنها آرامش و آسایش‌شان را از آن‌ها گرفته؛ بلکه امیدها و آرزوهایشان را نیز بر باد داده است و دیگر امیدی به خلاصی از این وضعیت فلاکت‌بار ندارند.

ساختمان فرسوده و لباس‌های ساده ساکنین، بازتاب‌دهنده فقر و تنگدستی در دوران رکود بزرگ است. این دوران با کاهش شدید درآمدها و افزایش بیکاری همراه بوده است. مردم با استفاده از روش‌های مختلف سعی در کاهش هزینه‌ها و افزایش بقا داشتند. بسیاری از خانواده‌ها توانایی تأمین نیازهای اولیه خود را نداشتند و مجبور بودند به روش‌های صرفه‌جویانه زندگی روی بیاورند. خشک کردن لباس‌ها در بالکن و استفاده از گیاهان در گلدان‌های کوچک به جای خرید محصولات گران‌تر، نمونه‌هایی از این روش‌های صرفه‌جویانه است. دوران رکود بزرگ باعث افزایش همبستگی اجتماعی مردم شد. مردم بیشتر به همدیگر متکی شدند و تلاش کردند تا با کمک هم از این دوران سخت عبور کنند. تلاش برای حفظ خانه و خانواده در شرایط سخت اقتصادی یکی از جنبه‌های مهم دوران رکود بزرگ بود.

بسیاری از مردم به دنبال کار و شرایط زندگی بهتر، به مناطق مختلف مهاجرت می‌کردند. این مهاجرت‌ها باعث شکل‌گیری محله‌های جدید و تغییرات اجتماعی و اقتصادی در شهرها شد. ساختمان‌های قدیمی و چندطبقه مانند آنچه در تصویر دیده

می‌شود، معمولاً محل سکونت این مهاجران بود. این تصویر نیز بازتاب بحران بزرگ اقتصادی و خشک‌سالی است که حتی گریبان ثروتمندان و مرفه‌های جامعه را گرفته و زندگی‌شان را به نابودی کشانده است به طوری که حتی آن‌ها نیز هیچ امیدی به آینده و رهایی از این ذلت و خواری ندارند. واقعیت این است که اگر جامعه‌ای دچار بحران رکود بزرگ اقتصادی توأم با خشک‌سالی شود، هیچ قشری از جامعه حتی ثروتمندان راه‌گیزی از آن ندارند و همگی آن‌ها به فلاکت و نابودی و سرانجام به مرگ خواهند رسید. این تصویر نمادی از زندگی در دوران رکود بزرگ اقتصادی است. فقر و تنگدستی، تلاش برای بقا، همبستگی اجتماعی، تغییرات در سبک زندگی جمعی و معماری از جمله مفاهیمی هستند که در این عکس به خوبی نشان داده می‌شود. این دوران یکی از سخت‌ترین دوران اقتصادی در تاریخ آمریکا بود و اثرات عمیق آن بر زندگی مردم، جامعه و حتی معماری و فرهنگ قابل‌مشاهده است. این تصویر نه تنها به لحاظ تاریخی ارزشمند است، بلکه به عنوان یک اثر هنری نیز توانسته است حال و هوای آن دوران را به خوبی منتقل کند.



شکل ۳. سیاه‌پوستان در صف غذا در اردوگاه پناهندگان سیل، فارست سیتی، آرکانزاس، ۱۹۳۷ (URL 4)

شکل ۳ که «سیاه‌پوستان در صف غذا در اردوگاه پناهندگان سیل» نام دارد، دارای کادری باز و افقی به رنگ سیاه‌وسفید است و با نور طبیعی روز، با زاویه هم‌تراز چشم، با نمای متوسط و با عمق میدان گسترده به ثبت رسیده است. «سیل بزرگ می‌سی‌سی‌پی»^{۱۶} در سال ۱۹۲۷ مخرب‌ترین سیل رودخانه در تاریخ ایالات متحده بود که در چند ماه اول سال ۱۹۲۷ حدود ۲۷۰۰۰ مایل مربع در اعماق

۳۰ فوت (۹ متر) از زمین‌های اطراف رودخانه را آب فراگرفت. ۹۴ درصد از افراد آسیب دیده در آرکانزاس، می‌سی‌سی‌پی، لوئیزیانا زندگی می‌کردند. ۱۲۷ نفر در آرکانزاس جان باختند که آن را به یکی از مرگبارترین بلایای ثبت شده در این ایالت تبدیل کرد. بیش از ۲۰۰/۰۰۰ آفریقایی آمریکایی که از خانه‌های خود در امتداد رودخانه می‌سی‌سی‌پی آواره شده بودند، مجبور شدند مدت‌ها در اردوگاه‌های امدادی زندگی کنند» (URL5).

استفان امبروز^{۱۷} در سایت جغرافیای ملی در مقاله‌ای با عنوان «انسان در برابر طبیعت: سیل بزرگ می‌سی‌سی‌پی در سال ۱۹۲۷» درباره شرایط نامساعد اردوگاه‌ها چنین نوشته است: «طول اردوگاه هفت مایل بود، چادرها خیلی کم بود، غذای کافی، وسایل غذاخوری یا سالن آشپزی وجود نداشت. مردان سیاه‌پوست اجازه خروج را نداشتند. کسانی که تلاش می‌کردند از اردوگاه فرار کنند با اسلحه توسط گارد ملی عقب رانده می‌شدند. غذایی که دریافت می‌کردند کمتر از آنچه سفیدپوستان می‌گرفتند بود. سفیدپوستان غذای خوب صلیب سرخ را برای خود نگه می‌داشتند» (Stephen Ambrose, 2001)، (URL6).

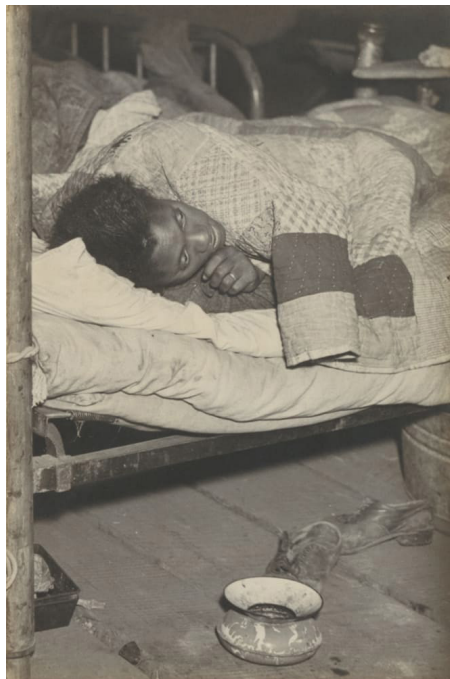
واکر اونز در سال ۱۹۳۷ این عکس را با عنوان «سیاه‌پوستان در صف غذا در زمان صرف غذا در اردوگاه پناهندگان سیل» در فارست سیتی، آرکانزاس ثبت کرد. در ابتدا نیمه پایینی بدن پنج نفر دیده می‌شود که کت‌های بلند و ضخیم به تن دارند. این کت‌ها نشان‌دهنده سرمای هوا یا ضرورت پوشیدن لباس‌های گرم به دلیل شرایط اقتصادی است. کت‌ها از جنس پارچه‌های سنگین و مقاوم به نظر می‌رسند که برای محافظت در برابر سرما استفاده می‌شوند. از نوع پوشش آن‌ها می‌توان به جنسیت آن‌ها پی برد که چهار زن با پالتوهای بلند و یک مرد با کاپشن است. دست‌های افراد خسته و زحمت‌کش به نظر می‌رسند. پوست دست‌ها به دلیل کارهای سخت و شرایط زندگی دشوار، خشک و ترک خورده است.

پس زمینه تصویر به وضوح مشخص نیست، اما به نظر می‌رسد که افراد در صف ایستاده‌اند. فضای اطراف ساده و شاید شلوغ به نظر می‌رسد که نشان‌دهنده محل‌های توزیع غذا است. یکی از راه‌های مقابله با فقر و گرسنگی در دوران رکود بزرگ، تشکیل صف‌های غذا بود. افراد از طریق این صف‌ها می‌توانستند حداقل نیازهای غذایی خود را تأمین کنند. سازمان‌های خیریه و جامعه‌های محلی نقش مهمی در ایجاد و مدیریت این صف‌های غذا داشتند. این تلاش‌های جمعی نشان‌دهنده همبستگی و همکاری مردم در مواجهه با مشکلات اقتصادی بود.

کادر کاملاً بسته تصویر، نگاه را از هر چیز و هویتی جز نیمه پایینی بدن این پنج نفر، سلب می‌کند و بیش از همه، رنگ پوست‌ها، ظرف‌های غذا (که کاسه چینی لب‌پریده و بشقاب فلزی است) و پوشش سوژه‌ها (که لباس‌های رنگ‌پریده و مندرس بر تن دارند)، جلوه‌نمایی می‌کنند که همگی این‌ها نمایی از فقر و گرسنگی مهاجران کشاورز را به تصویر می‌کشد؛ فقری که در دوره رکود بزرگ و خشک‌سالی ناشی از آن به ویژه در

میان کارگران مهاجر سیاه‌پوست، به‌مراتب بدتر، سخت‌تر و دردناک‌تر بود. عکاس، تصویر را بدون چهرهٔ افراد با نمای متوسط از بازو تا ساق پا و عمق میدان گسترده برای نمایش جزئیات بیشتر، ثبت کرده است تا اهمیت موضوع را این‌گونه بیان دارد که شخصیت افراد یا چهرهٔ آن‌ها در این زمان و مکان مهم نیست؛ چون همگی در بی‌هویتی و سرنوشت فلاکت‌بار یکسانی به سر می‌برند. از آنجاکه در طول تاریخ، نژادپرستی و برتری‌جویی سفیدپوستان بر رنگین‌پوستان وجود داشته است، و اگر اونها نیز به واقعیت بارز نژادپرستی جامعه آمریکا نیز نگاهی ویژه داشته و با تأکید بر سیاه‌پوستان در مرکز این تصویر، بر تنگ‌تر بودن عرصه روزگار بر آن‌ها و استثمارشان تأکید نموده است که چگونه بین انسان‌ها به دلیل نوع نژادشان فرق گذاشته شده و از آن‌ها از باغذای اندک و کار بیشتر و سخت‌تر بهره‌کشی غیرمنصفانه می‌کردند و آن‌ها را در پست‌ترین جایگاه انسانی و حتی بدتر و در طویله با حیوانات قرار داده و از نوامیس آن‌ها سوءاستفاده جنسی می‌نمودند. این تصویر بازتاب‌دهندهٔ مسائل و مشکلات اجتماعی تیره پوستان است که حتی در شرایط بحرانی یکسان برای تمام اقشار یک جامعه، همچنان مورد ظلم حداکثری واقع شده و بیشترین آسیب را دیده‌اند.

این عکس به‌خوبی توانسته است تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوران رکود بزرگ اقتصادی و ظلم حداکثری به سیاه‌پوستان و نژادپرستی را به تصویر بکشد. فقر و تنگدستی، همبستگی اجتماعی، تغییرات در سبک زندگی و استفاده از برنامه‌های حمایتی، همه‌وهمه در این تصویر قابل مشاهده است. عکس‌هایی مانند این نه تنها



شکل ۴. پناهنده سیل بیمار در بیمارستان موقت صلیب سرخ، فارست سیتی، آرکانزاس، ۱۹۳۷ (URL7)

به‌عنوان اسنادی تاریخی از شرایط زندگی مردم در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ اقتصادی آمریکا شناخته می‌شوند، بلکه به‌عنوان آثار هنری ارزشمند نیز توانسته‌اند حال و هوای آن دوران را به‌خوبی منتقل کنند. تصاویر این دوران نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به جامعه و ایجاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی داشتند. این تصاویر توانستند پیام‌های قوی و تأثیرگذاری را به مردم و مسئولان منتقل کنند و نقش مهمی در ایجاد تغییرات مثبت ایفا کنند.

شکل ۴ که «پناهنده سیل بیمار در بیمارستان موقت صلیب سرخ» نام دارد، دارای کادری بسته و عمودی به رنگ سیاه‌وسفید است و با نور مصنوعی (لامپ یا فلاش)، با زاویه هم‌تراز چشم، با نمای

متوسط و با عمق میدان کم به ثبت رسیده است.

این عکس در فوریه ۱۹۳۷ توسط واکر اونز که برای اداره حفاظت از مزارع (FSA) کار می‌کرد، به ثبت رسیده است. در اصل این تصویر به صورت کادر مربع گرفته شده که بعداً با نظر کارشناسان اداره حفاظت از مزارع از سمت چپ و راست تصویر برش خورده است و به صورت کادر عمودی در نشریات به چاپ رسیده است. از سمت چپ تصویر، دیوار چوبی اتاقی در بیمارستان و از سمت راست تصویر که به نظر می‌رسد شخصی ایستاده و سایه‌اش بر روی تخت بیمار افتاده است، همچنین نگاه بیمار به وی می‌باشد، حذف شده است. سایه ناشی از تابش نور فلاش در زیر تخت و تاریکی پیش‌زمینه تصویر مشهود است.

این عکس، صحنه‌ای داخلی از یک اتاق ساده و قدیمی با تخت‌های فلزی و کهنه را به تصویر می‌کشد. این نوع تخت‌ها معمولاً در پناهگاه‌ها، اقامتگاه‌های موقت یا مناطق فقیرنشین یافت می‌شوند. این تخت با ملحفه‌ها و پتویی ساده پوشیده شده که نشانه‌هایی از کهنگی و استفاده مکرر بر روی آن‌ها دیده می‌شود. در پیش‌زمینه عکس که وضوح کمتری دارد میزی برای تخت بیمار و تختی نیز پشت سر آن دیده می‌شود که ظاهراً روی آن نیز فردی است. در مرکز توجه عکس، فردی بر روی تخت دراز کشیده است که از نژاد سیاه‌پوستان است. از چهره لطیف و حلقه‌ای که در انگشت دست چپش هست متوجه می‌شویم که یک زن متأهل هست. از نحوه خوابیدنش و حس لرزی که دارد و به دلیل آن به شدت خودش را لای پتو پیچیده است، مشخص است که وی بیمار است و نیز نشان‌دهنده نوعی بی‌پناهی و گوشه‌گیری است. این می‌تواند نمادی از احساس عدم حمایت اجتماعی و بی‌پناهی افراد در جوامع فقیر باشد.

کف اتاق از چوب‌های قدیمی و فرسوده تشکیل شده که نشان‌دهنده کهنگی و استفاده طولانی‌مدت است. در کنار تخت، یک جفت کفش به ظاهر مردانه و یک ظرف خالی قرار دارد که احتمالاً برای غذا یا آب مورد استفاده بوده است. این ظرف، با ظاهر ساده و کهنه‌اش، دلالتی بر فقر و محدودیت‌های اقتصادی ساکنان این مکان است. همچنین، یک لگن گرد در زیر تخت و سمت راست تصویر و یک سبد در سمت چپ تخت قرار دارد که ممکن است برای نگهداری لباس‌ها یا وسایل شخصی فرد استفاده شود.

محیط اطراف تخت به طور کلی ساده و بدون تزیینات خاص است که نشان‌دهنده شرایط زندگی فقیرانه و کم‌برخوردار فرد است. این نوع محیط‌ها معمولاً در جوامعی دیده می‌شوند که درگیر مشکلات اقتصادی شدید هستند و بیشتر منابع و تلاش‌ها صرف تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن و پوشاک می‌شود. عکس به وضوح شرایط اقتصادی نامساعد فرد را نشان می‌دهد. وضعیت اقتصادی نامطلوب نه تنها بر زندگی روزمره افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی آن‌ها نیز تأثیرات منفی داشته باشد.

این عکس بازتاب شرایط سخت سیاه‌پوستان مقیم در اردوگاه است که فقر، مهاجرت، استثمار و شرایط سخت زندگی آنان را به وضوح نشان می‌دهد و علاوه بر آن به مسائل و ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی، فرهنگی و تاریخی اشاره دارد. این عکس نمادی از فقر و نابرابری‌های اجتماعی است. در بسیاری از جوامع، افراد محروم و کم‌برخوردار با مشکلات متعددی مواجه‌اند که شامل کمبود امکانات بهداشتی، آموزشی و رفاهی می‌شود. فردی که در این تصویر دیده می‌شود، نماینده هزاران نفر دیگر است که در شرایط مشابه زندگی می‌کردند. این تصویر می‌تواند به ما یادآوری کند که چگونه نابرابری‌های اجتماعی می‌توانند بر زندگی افراد تأثیر بگذارند و آن‌ها را به حاشیه برانند.

این تصویر به خوبی توانسته است حس تنهایی، بی‌پناهی و فقر را به بیننده منتقل کند. این تصویر می‌تواند به عنوان نمادی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد و به نمایش واقعیت‌های زندگی افرادی بپردازد که در شرایط سخت و ناعادلانه به سر می‌برند. با نشان دادن این شرایط، عکس می‌تواند نقش مهمی در افزایش آگاهی و حساسیت اجتماعی داشته باشد و افراد را به تلاش برای بهبود وضعیت زندگی این افراد ترغیب کند.



شکل ۵. فلوید باروز، سهامدار پنبه، شهرستان هیل، آلاباما، ۱۹۳۶ (URL8)

شکل ۵ که «فلوید باروز، سهامدار پنبه» نام دارد، دارای کادری بسته و عمودی به رنگ سیاه‌وسفید است و با نور طبیعی روز، با زاویه هم‌تراز چشم، با نمای متوسط و با عمق میدان کم به ثبت رسیده است.

«موضوع عکس یکی از کشاورزان مستأجر است که اונز در حین ثبت زندگی مردم در مزرعه پنبه ویران شده آلاباما در دوران رکود با او آشنا شده بود. اונز قصد داشت این عکس‌ها را به عنوان یک سابقه عینی و غیرتبلیغاتی از رکود نشان دهد. او تلاش کرد تا تصاویر نمادین خلق نکند، بلکه در عوض توصیفی باشد و

از کلیشه‌ها دوری کند» (سایت گالری‌های ملی، قبل از 2020: URL9).

کادر عکس عمودی (پرتره) است و پس‌زمینه به طور ملایم خارج از فوکوس است و این باعث می‌شود که توجه بیننده به صورت و حالات چهره فرد متمرکز شود. زاویه

دید عکاس تقریباً در سطح چشم فرد قرار دارد که باعث ایجاد حس نزدیکی و همدلی بین بیننده و موضوع عکس می‌شود و به انتقال بهتر احساسات و حالت چهره کمک می‌کند. نوری که از سمت چپ تصویر وارد می‌شود، به خوبی بر روی چهره و نیم‌تنه فرد تابیده و سایه‌های ملایمی ایجاد کرده و به تصویر حس واقعی و طبیعی بودن می‌دهد. سایه‌ها به خوبی در قسمت‌های مختلف چهره و لباس‌ها دیده می‌شوند که به تصویر عمق و بعد داده است. در این تصویر عمق میدان کم استفاده شده است. تصویر از وضوح بالایی برخوردار است و جزئیات چهره و لباس‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. خطوط عمودی دیوار چوبی در پس‌زمینه به تصویر حس استواری و استحکام می‌بخشند.

عکاس تصویر را با نمای متوسط و عمق میدان کم ثبت کرده است تا عمق فاجعه را در جزئیات چهره این شخص به وضوح بازتاب کند. فاجعه‌ای که مسائل و مشکلات متأثر از آن هریک، خطی عمیق بر پیشانی و چهره وی ایجاد کرده است. در این تصویر مردی جوان اما با چهره‌ای جدی، عمیق و شکسته دیده می‌شود. موهای کوتاه و نامرتب و ته‌ریش‌های پراکنده نیز نشان‌دهنده این است که او زمان یا امکانات کافی برای مراقبت از ظاهر خود ندارد. این وضعیت می‌تواند ناشی از فشارهای اقتصادی و نیاز به کار مداوم باشد. وی دارای چهره‌ای آفتاب‌سوخته، درهم‌کشیده، خسته، افسرده و به‌هم‌ریخته است که نگاه مات و مبهوتش به عکاس است. چین‌وچروک‌های روی پیشانی و دور چشم‌ها نمایانگر فشارهای روحی و روانی و همچنین سختی‌های زندگی است. حالت چهره او بیانگر نگرانی، تفکر و شاید هم ناامیدی است. چشم‌های مرد دارای نگاهی نافذ و خیره‌هستند. این نگاه می‌تواند نشان‌دهنده عزم و اراده برای مقابله با شرایط سخت و همچنین تلاش برای پیدا کردن راه‌حلی برای مشکلات موجود باشد. وضعیت گردش صورت و نحوه نگاهش، مظلومیت و بی‌پناهی وی را نشان می‌دهد.

عکاس پیش‌زمینه تصویر را غیرواضح و تاریک ثبت کرده است شاید به این دلیل که نشان دهد زندگی‌ای که این مرد دارد پشت سر می‌گذرانند به تباهی و غم و اندوه می‌گذرد و خالی از نشاط و سرزندگی و دلخوشی‌هاست. وی در چهارچوب دری که به نظر می‌رسد در ورودی منزلش باشد نشسته و دستانش را به زانوهایش حائل کرده است. این حالت نشستن می‌تواند نشان‌دهنده خستگی زیاد و نیاز به استراحت باشد. مرد یک پیراهن سفید مندرس و کتیف و دوبنده (لباس کار) که نشان‌دهنده شغل یدی و کارگری اوست به تن دارد. لباس‌های کارگری و فرسوده او نشان‌دهنده ساعات طولانی کار و همچنین عدم توانایی مالی برای تهیه لباس‌های جدید است.

چهره مرد پر از نگرانی و استرس است. این نگرانی‌ها می‌تواند ناشی از عدم اطمینان به آینده، نگرانی برای خانواده و تلاش برای پیدا کردن شغل باشد. کارگران در این دوران نه تنها از نظر مالی؛ بلکه از نظر روانی نیز تحت فشار زیادی بودند. در این دوران، افراد به یکدیگر کمک می‌کردند و از طریق سازمان‌های خیریه و دولتی حمایت می‌شدند. این

تصویر نمادی از این تلاش‌ها و همبستگی اجتماعی است که در زمان‌های سختی به وجود می‌آید. بین جوانی و چهره‌ی این فرد تضادی مشهود هست؛ چراکه همیشه جوانی را نمادی از شور و نشاط، امید و سرزندگی می‌دانیم؛ اما چیزی که در چهره‌ی این فرد دیده می‌شود غم و اندوه و ناامید بودن نسبت به آینده و نارضایتی از وضعیت موجود است. این عکس بازتاب جامعه و رشکسته‌ای است که گریبان تمامی سهام‌داران و سرمایه‌داران را نیز گرفته و همگی را در مسیر فلاکت و درماندگی قرار داده است و استیصال و ناامیدی در چهره‌ی تک‌تک آن‌ها موج می‌زند. جامعه‌ای که به جای امید داشتن به آینده‌ای روشن و خلاصی از رنج و عجز، در انتظار مرگ نشسته‌اند؛ چون روزگار و امرار معاششان هر روز بدتر از روز قبل سپری می‌شود.

این عکس به خوبی توانسته است تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوران رکود بزرگ اقتصادی را به تصویر بکشد. فقر و تنگدستی، نگرانی و استرس، تغییرات در سبک زندگی و تلاش برای بقا، همه‌وهمه در این تصویر قابل مشاهده است.

جدول ۱. ارزیابی عکس «قبرستان و کارخانه فولاد در بیت لحم»

نام اثر و تاریخ	قبرستان و کارخانه فولاد در بیت لحم - ۱۹۳۵	
فرم	کادر	افقی
	ترکیب‌بندی	دقیق و وسیع، متقارن
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم‌تراز چشم
	نما	گسترده
	عمق میدان	گسترده
محتوا	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	نشان دهنده تأثیرات منفی صنعتی شدن و رکود اقتصادی بر جامعه؛ نمایان گر فقر و ناامیدی مردم
	تأثیرات اجتماعی	بازتاب سختی‌ها و مشکلات زندگی مردم عادی؛ نمایش شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	تأکید بر واقع‌گرایی و نمایش جزئیات دقیق؛ استفاده از ترکیب‌بندی‌های دقیق و نور طبیعی
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	افزایش آگاهی عمومی درباره شرایط سخت زندگی مردم در دوران رکود بزرگ؛ جلب توجه به مشکلات اجتماعی
	رئالیسم اجتماعی	واقع‌گرایانه؛ نمایش دقیق و بی‌پرده از واقعیت‌های تلخ زندگی مردم در دوران رکود بزرگ
پیام و مضمون	تضاد بین مرگ و زندگی صنعتی؛ نقد صنعتی شدن و تأثیرات منفی آن بر جامعه؛ تأکید بر مشکلات اجتماعی	

جدول ۲. ارزیابی عکس «بدون عنوان»

نام اثر و تاریخ		بدون عنوان - ۱۹۳۵
فرم	کادر	افقی و باز
	ترکیب بندی	متوازن
	نورپردازی	طبیعی
	زاویه دید	هم تراز چشم
	نما	نمای خیلی دور
	عمق میدان	گسترده
	محتوا	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ
تأثیرات اجتماعی		بازتاب سختی‌ها و مشکلات زندگی مردم عادی؛ نمایش شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی
تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی		تأکید بر واقع‌گرایی و نمایش جزئیات دقیق؛ استفاده از ترکیب بندی‌های دقیق و نور طبیعی
تأثیرات بازتاب عکس در جامعه		افزایش آگاهی عمومی درباره شرایط سخت زندگی مردم در دوران رکود بزرگ؛ جلب توجه به مشکلات اجتماعی
رنالیسم اجتماعی		واقع‌گرایانه؛ نمایش دقیق و بی‌پرده از واقعیت‌های تلخ زندگی مردم در دوران رکود بزرگ
پیام و مضمون		نمایش تضادهای اجتماعی و اقتصادی؛ نقد صنعتی شدن و تأثیرات منفی آن بر جامعه؛ تأکید بر مشکلات اجتماعی

جدول ۳. ارزیابی عکس «سیاه‌پوستان در صف غذا در اردوگاه پناهندگان سیل»

نام اثر و تاریخ		سیاه‌پوستان در صف غذا در اردوگاه پناهندگان سیل - ۱۹۳۷
فرم	کادر	افقی و باز
	ترکیب بندی	متوازن؛ استفاده از خطوط افقی و عمودی برای ایجاد هماهنگی در تصویر
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم تراز چشم
	نما	نمای متوسط
	عمق میدان	گسترده

تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	نمایش تأثیرات منفی بحران اقتصادی بر زندگی مردم؛ تصویرگر فقر و ناامیدی	محتوا
تأثیرات اجتماعی	بازتاب سختی‌ها و مشکلات زندگی مردم عادی؛ نمایش شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی	
تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	تأکید بر واقع‌گرایی و نمایش جزئیات دقیق؛ استفاده از ترکیب‌بندی‌های دقیق و نور طبیعی	
تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	افزایش آگاهی عمومی درباره شرایط سخت زندگی مردم در دوران رکود بزرگ؛ جلب توجه به مشکلات اجتماعی	
رئالیسم اجتماعی	واقع‌گرایانه؛ نمایش دقیق و بی‌پرده از واقعیت‌های تلخ زندگی مردم در دوران رکود بزرگ	
پیام و مضمون	نمایش تضادهای اجتماعی و اقتصادی؛ نقد صنعتی شدن و تأثیرات منفی آن بر جامعه؛ تأکید بر مشکلات اجتماعی	

جدول ۴. ارزیابی عکس «پناهنده سیل بیمار در بیمارستان موقت صلیب سرخ»

نام اثر و تاریخ	پناهنده سیل بیمار در بیمارستان موقت صلیب سرخ - ۱۹۳۷	
فرم	کادر	عمودی
	ترکیب‌بندی	متوازن
	نورپردازی	نور مصنوعی (فلاش)
	زاویه دید	هم‌تراز چشم
	نما	نمای متوسط
	عمق میدان	کم
محتوا	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	نمایش تأثیرات منفی بحران اقتصادی بر شرایط بهداشتی و زندگی مردم
	تأثیرات اجتماعی	بازتاب مشکلات اجتماعی و بهداشتی ناشی از رکود اقتصادی
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	تأکید بر واقع‌گرایی و نمایش جزئیات دقیق؛ استفاده از ترکیب‌بندی‌های دقیق و نور مصنوعی
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	افزایش آگاهی عمومی درباره شرایط سخت بهداشتی و زندگی مردم در دوران رکود بزرگ
	رئالیسم اجتماعی	واقع‌گرایانه؛ نمایش دقیق و بی‌پرده از واقعیت‌های تلخ زندگی مردم در دوران رکود بزرگ
	پیام و مضمون	نمایش تضادهای اجتماعی و اقتصادی؛ نقد صنعتی شدن و تأثیرات منفی آن بر جامعه؛ تأکید بر مشکلات اجتماعی

جدول ۵. ارزیابی عکس «فلوید باروز، سهام‌دار پنبه»

نام اثر و تاریخ		فلوید باروز، سهام‌دار پنبه - ۱۹۳۶
فرم	کادر	عمودی
	ترکیب‌بندی	متوازن
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم‌تراز چشم
	نما	نمای متوسط
	عمق میدان	کم
محتوا	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	نمایش تأثیرات منفی بحران اقتصادی بر زندگی و معیشت مردم
	تأثیرات اجتماعی	بازتاب مشکلات اجتماعی و زندگی سخت سرمایه‌داران، کشاورزان و کارگران
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	تأکید بر واقع‌گرایی و نمایش جزئیات دقیق؛ استفاده از ترکیب‌بندی‌های دقیق و نور طبیعی
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	افزایش آگاهی عمومی درباره شرایط سخت زندگی کشاورزان و کارگران در دوران رکود بزرگ
	رئالیسم اجتماعی	واقع‌گرایانه؛ نمایش دقیق و بی‌پرده از واقعیت‌های تلخ زندگی مردم در دوران رکود بزرگ
	پیام و مضمون	نمایش تضادهای اجتماعی و اقتصادی؛ نقد صنعتی‌شدن و تأثیرات منفی آن بر جامعه؛ تأکید بر مشکلات اجتماعی

نتیجه‌گیری

عکاسی مستند به واسطه ظرفیت‌ها و اقتضائاتش همواره یکی از بهترین شیوه‌های بازتاب واقعیت بوده و مسائل اجتماعی را به صورتی کامل و جامع بازتاب داده است. در طول تاریخ عکاسی همواره عکاسان برجسته‌ای به مسائل مهم اجتماعی و انسانی پرداخته و سعی کرده‌اند که از طریق عکس مسائل و رخدادها را ثبت و ضبط کنند و به آگاهی عمومی افراد کمک کنند. یکی از عکاسان مهم تاریخ عکاسی، واکر اوانز عکاسی آمریکایی است که به سبب تصاویرش از دوره رکود اقتصادی ایالت متحد آمریکا در دهه ۱۹۳۰ بسیار حائز اهمیت است. این پژوهش نشان می‌دهد که عکاسی مستند به‌ویژه در آثار واکر اوانز، فراتر از ثبت صرف واقعیت‌های اجتماعی عمل کرده و به ابزاری مؤثر در بازتاب شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی دوران رکود بزرگ آمریکا تبدیل شده است. آثار اوانز توانسته‌اند تصویری شفاف و انسانی از فقر، نابرابری و ناامیدی جامعه ارائه دهند که منجر به افزایش آگاهی عمومی و جلب توجه به نیازهای طبقات محروم شد. عکاسی مستند، در این دوره، نقشی کلیدی در ایجاد همبستگی اجتماعی و تحریک اصلاحات اجتماعی و اقتصادی ایفا کرد. این مطالعه بر اهمیت عکاسی

به عنوان ابزاری فرهنگی و اجتماعی در تبیین و انعکاس مسائل جامعه تأکید دارد و بر این نکته صحنه می‌گذارد که هنر می‌تواند محرکی برای تغییرات اجتماعی باشد. یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- افزایش آگاهی و همبستگی اجتماعی توسط عکس‌های اونز
 - بیان یکی از کارکرد اجتماعی عکاسی مستند که می‌تواند ابزاری برای تحلیل و نمایش مسائل اجتماعی باشد.
 - ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی توسط عکس‌های مستند واکراونز
 - پیشنهاد به کارگیری عکاسی مستند برای حل مسائل اجتماعی.
- با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که درک عمیق‌تری از نقش هنر بصری در بازتاب و بهبود مسائل اجتماعی معاصر به عمل آید و پژوهش‌های بیشتری درباره کارکردهای اجتماعی هنرهای بصری انجام شود تا از ظرفیت‌های آن برای بهبود شرایط اجتماعی استفاده شود.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

Pejman Dadkhah  <https://orcid.org/0009-0003-6164-1071>

پی‌نوشت‌ها

1. Willfried Batts
2. Gisele Freund
3. Naomi Rosenblum
4. Eugene Atger
5. Howard Becker
6. Auguste comte
7. Louis Daguerre
8. Calvinistic
9. Franklin Delano Roosevelt
10. James Age
11. Let Us Now Praise Famous Men
12. Fortune
13. Guggenheim
14. Extreme Long Shot
15. niko-kallianiotis
16. Great Mississippi-Flood
17. Stephen Ambrose

منابع و مأخذ

- باتس، ویلفراید (۱۳۹۰). کاغذ و آینه تاریخ فشرده عکاسی. ترجمه کیارنگ علایی، تهران: نشر حرفه هنرمند.
- حمیدیان، تورج و توکلی، شهریار (۱۳۹۲). حرفه عکاس، تهران: نشر حرفه هنرمند.
- دانش، فاطمه (۱۳۹۹). مبانی نظری عکاسی ویژه کنکور کارشناسی ارشد عکاسی. تهران: نشر هنگام هنر.
- روزنبلوم، نیومی (۱۴۰۰). تاریخ جهانی عکاسی. ترجمه کریم متقی، تهران: نشر کتاب پرگار.
- سانتاگ، سوزان (۱۳۹۰). درباره عکاسی. ترجمه مجید اخگر، تهران: نشر نظر.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۴۰۱). مردم‌نگاری هنر. تهران: نشر فخر اکیا.
- فروند، ژیزل (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی عکاسی. ترجمه مریم وحدتی، تهران: نشر کتاب آبان.
- گلچین کوهی، رضا (۱۳۸۹). عکاسی مستند در دوره پست مدرنیسم. کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای تجسمی.
- لنگفورد، مایکل جان (۱۳۹۸). داستان عکاسی. ترجمه رضا نبوی، تهران: نشر افکار جدید.
- هژیر، لنا، عصار کاشانی، الهام و عرب، مهین (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز. پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۶(۵)، ۱۳-۲۶.
- Bates, Wilfried (2011). Paper and mirror The history of photographic compression, translated by Kiarang Aliai, Tehran: Artist's Professional Publication. [In Persian]
- Danesh, Fatima (2020). Theoretical basics of photography [special for photography master's entrance exam], Tehran: Hengama Honar. [In Persian]

- Fazli, Nematullah (2022). *Ethnography of art*, Tehran: Fakhrakia Publishing. **[In Persian]**
- Golchin Kohi, Reza (2010). "Documentary photography in the period of postmodernism", MA. Faculty of Visual Arts. **[In Persian]**
- Hajir, Lena; Asar Kashani, Elham and Arab, Mahin (2020). "A Study of the Impact of the Great Depression on the Documentary Photography Works of Dorothea Lang and Walker Owens", *Research in Arts and Humanities*, No. 9, pp. 14-19. **[In Persian]**
- Hamidian, Touraj and Tavakoli, Shahryar (2013). *The Profession of Photography*, Tehran: Artist's Profession Publishing. **[In Persian]**
- Langford, Michael John (2019). *The story of photography*, (translated by Reza Nabavi), Tehran: Afkar Javed Publishing. **[In Persian]**
- Rosenblum. Niumi (2021). *The world history of photography*, (translated by Karim Motaghi), Tehran: Pargar Kitab Publishing. **[In Persian]**
- Sentag, Susan (2011). *About photography*, (translated by Majid Akhgar), Tehran: Nazar. **[In Persian]**
- URL1: <https://www.moma.org/collection/works/55226>
- URL2: <https://www.photologio.gr/4-plus-1-photostories/niko-kallianiotis-5/>
- URL3: <https://www.moma.org/collection/works/58185>
- URL4: <https://www.moma.org/collection/works/187345>
- URL5: https://en.wikipedia.org/wiki/Great_Mississippi_Flood_of_1927
- URL6: <https://www.nationalgeographic.com/culture/article/mississippi-river-flood-culture>
- URL7: <https://www.moma.org/collection/works/130453>
- URL8: <https://www.moma.org/collection/works/187243>
- URL9: <https://www.nationalgalleries.org/art-and-artists/15715>



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.